

منابع نرم قدرت متعالی در اندیشه سیاسی امام خمینی

روح‌الله شاکری*

رضا لکزایی**

چکیده

بررسی منابع نرم قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام مسئله مقاله حاضر است. براساس نظریه طبقه‌بندی علوم از منظر امام خمینی، انسان دارای سه بعد است؛ غیبی و روحی، برزخی و خیالی، شهودی و دنیوی. بر مبنای این نظریه منابع نرم قدرت ذیل سه عنوان: منابع اعتقادی - بینشی؛ منابع اخلاقی - گرایشی؛ منابع رفتاری - کنشی با روش تحلیلی - اکتشافی ارائه می‌شود. در بعد اعتقادی، تنها منبع قدرت، خداوند متعال است و هرچه انسان با خدا ارتباط و اتصال بیشتری داشته باشد، قدرت بیشتری هم دارد. در بعد اخلاقی، تمامی فضائل اخلاقی منبع قدرت هستند و قدرتمندان بیش از دیگران باید به آنها متصف باشند. در بعد رفتاری، از میان منابع متعدد، مناسک و تبلیغات و تعلیمات برجسته شده است؛ چراکه در قدرت و اراده جمعی تأثیر می‌گذارد. این سه بعد از قدرت کاملاً درهم‌تنیده و به هم مرتبط هستند و شدت و ضعف هر یک در دیگری تأثیرگذار است. براساس این دیدگاه از وظایف مهم حوزه و دانشگاه، رسانه، دولت و نظام اسلامی تبیین جایگاه و اهمیت منابع نرم قدرت و در نتیجه توجه هرچه بیشتر به فرهنگ اسلامی و ایمان به خدا در جامعه و پیوند آن با قدرت فرانرم و متعالی است.

واژگان کلیدی

امام خمینی علیه السلام، منابع نرم قدرت، قدرت متعالی، اندیشه سیاسی.

shaker.r@ut.ac.ir

* استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران و مدرس گروه معارف اسلامی.

** دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی علیه السلام. (نویسنده مسئول)

rlakzaee@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱۰

طرح مسئله

۱. مفهوم قدرت متعالی

قدرت از مفاهیم کلیدی علوم سیاسی است. در مقام نظر و بر روی کاغذ در تعریف قدرت، اجماعی وجود ندارد. (عالم، ۱۳۸۸: ۸۶ به بعد) اما در مقام عمل، به نظر می‌رسد که بر سر این تعریف که قدرت را تحمیل خواسته خود بر دیگری، علی‌رغم مقاومت آن دیگری می‌دانند، توافق وجود دارد. این تعریف، تعریف ماکس وبر است (همان) و به نظر می‌رسد بتوان گفت، در مقام واقع، تمام تعریف‌ها به این تعریف، تأویل می‌رود. به عنوان نمونه مورگنتا می‌نویسد: «منظور از قدرت، اعمال قدرت بشر بر افکار و اعمال دیگران است». (لوکس، ۱۳۷۰: ۵۳)

جوزف نای این تعاریف از قدرت را ناظر به بخشی از قدرت، یعنی قدرت سخت می‌داند. به نظر او شکل دیگری از قدرت به نام قدرت نرم وجود دارد، که «می‌توان با شکل‌دهی خواسته‌های دیگران بر رفتار آنان اثر گذارد» (نای، ۱۳۹۲: ۳۳؛ نیز ر. ک: جعفری و قربی، ۱۳۹۵: ۸۰ - ۷۷ و پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۶۰ - ۵۳) و این یعنی نیازی نیست که با تهدید و تطمیع یا سیاست چماق و هویج به نتایج دلخواه رسید، بلکه می‌توان کاری کرد که افراد، خود، خواسته شما را خواسته خود، بدانند و با اراده خود، آن را عملی سازند. او می‌نویسد:

من استفاده از زور، تطمیع و تمهیداتی بر این مبانی را از مقوله قدرت سخت می‌دانم. طرح و تبیین دستورکاری مقبول جامعه هدف و مشروع از این زاویه، و نیز ایجاد رغبت و جاذبه، به باور من اجزایی از طیف رفتارهایی ملازم با قدرت نرم‌اند. قدرت سخت دفع است و پس‌زدن و قدرت نرم جذب است و پیش‌کشیدن. قدرت نرم در تعریف کامل آن عبارت است از توان اثرگذاری بر دیگران از طریق اهرم‌های هم‌گزینه، قاب‌بندی، برنامه، کار، ایجاد رغبت و جاذبه مثبت، در راستای کسب نتایج دلخواه. (نای: ۱۳۹۲: ۴۶؛ نای، ۱۳۸۹: ۴۳)

بازنمایی طیف رفتارهای قدرت‌مدار (همان)

سخت	← تحکم، فشار، تهدید، تطمیع، تحریم، قاب‌بندی ترغیب، جذب، هم‌گزینی →	نرم
-----	--	-----

در تحلیل جوزف نای، قدرت، چه از مدل سخت آن و چه از مدل نرم آن، در پارادایم فطرت محجوبه و متدانی قرار دارد و وارد پارادایم فطرت مخموره و متعالی نمی‌شود؛ چراکه در قدرت نرم، بازهم خواسته الف بر ب تحمیل می‌شود اما به صورت نامرئی، آن قدر نامرئی که آن شخص یا دولت فکر می‌کند مجری خواسته خود است. ویژگی مشترک این تعاریف قدرت، این است که قدرت محدود به حیطه امور مادی و

دنیوی است و با غیب ارتباطی برقرار نمی‌کند. از طرف دیگر از حق و باطل هم سخن گفته نمی‌شود، بلکه در واقع هدف، اعمال قدرت به صورت پنهانی است.

باید گفت نگاه امام خمینی به قدرت کاملاً با این نگاه تفاوت دارد. از نظر امام خمینی ایمان به غیب تأمین‌کننده و منبع اصلی قدرت است که می‌توان از آن به‌عنوان قدرت فرانرم و یا قدرت متعالی تعبیر کرد. قدرت از نظر امام خمینی همچون علم، یک وجود تشکیکی است که از عالی‌ترین و شریف‌ترین و فعال‌ترین مرتبه تا نازل‌ترین مرتبه را زیر چتر خود قرار می‌دهد. (امام خمینی، ۱۳۷۷ ب: ۲۳۰)

براساس این تحلیل، قدرت یکی از اوصاف خداست و خداوند متعال تنها منبع قدرت است و تمام موجودات، همچون سرباز، مطیع او هستند و در نتیجه هرچه انسان به این منبع قدرت نزدیک باشد، قدرتمندتر است. از طرف دیگر نگاه به قدرت هم بر مبنای اصالت وجود صورت می‌گیرد و نه اصالت ماهیت. به‌نظر می‌رسد برداشت جوزف نای از قدرت براساس اصالت ماهیت است و به همین دلیل میان اضلاع قدرت تباین برقرار می‌کند، درحالی‌که بر مبنای اصالت وجود میان اضلاع و طیف‌های قدرت، شدت و ضعف برقرار است و نه تباین.

نوآوری مقاله حاضر، تبیین این نگاه امام خمینی به قدرت (یعنی پیوند با غیب)، براساس چارچوب نظری برگرفته از آثار ایشان است که تا کنون کمتر از این زاویه راجع به آن سخن گفته شده است (به‌عنوان نمونه ر.ک: جعفری‌پناه، ۱۳۹۲: ۳۵ به بعد). مثلاً در این نگاه وقتی شن‌ها با غیب (یعنی منبع قدرت متعالی) پیوند بخورند، هواپیماهای ابرقدرتی مثل آمریکا را ساقط می‌کند، چنان‌که باد نیز مأمور خدا بود و قوم قدرتمند عاد را درهم کوبید.

امام خمینی برای تبیین مفهوم قدرت از استعاره «موج و دریا» (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۱۱۳) و «قطره و دریا» (همو، ۱۳۸۵: ۷ / ۴۷۸) استفاده می‌کند. براساس استعاره قطره و دریا، قدرت در سطح جامعه پخش است و هریک از افراد جامعه همچون قطره، دارای قدرتی اندک است که اگر این قطرات به هم بپیوندند می‌توانند همچون سیل جریان به راه بیندازند و همچون دریا به یک قدرت بزرگ و مؤثر تبدیل شوند. آنچه در این میان اهمیت دارد، یکی احساس مسئولیت افراد در متحد شدن با یکدیگر است و دیگر اینکه این اتحاد بر پایه انگیزه الهی و آموزه‌های اسلام باشد و نه انگیزه‌های شخصی و هواهوس و صرفاً کسب قدرت، ثروت و شهرت. در این صورت است که «يُدُ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ» محقق می‌شود (ترمذی، ۱۳۹۵: ۳/۳۱۶).

از نگاه امام خمینی اگر یک انسان که در حکم یک قطره است، بعد روحانی و معنوی اسلام را حفظ کند، به تنهایی به صد قطره و بلکه هزار قطره تبدیل می‌شود، همچون مالک اشتر. گاهی هم ممکن

است که یک نفر با توجه به جهات معنوی و واقعیت وجودی که دارد، به تنهایی چندین میلیارد قطره و قدرتمندترین انسان باشد، همچون حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام. بر این مبنا هرچه که ارتباط با منبع بی‌کران قدرت، شدیدتر، خالص‌تر و قوی‌تر باشد، قدرت آن انسان و آن جامعه و آن دولت افزایش پیدا می‌کند. در این پارادایم، یعنی پارادایم فطرت مخموره، اخلاص، ایمان، تقوا و خدایپرستی چنان قدرتی به انسان و جامعه می‌دهد، که بدون هیچ بیم و هراسی در برابر تمامی قدرتها می‌ایستد و خم به ابرو نمی‌آورد؛ چنان‌که بارزترین جلوه آن را در عاشورا و پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشاهده می‌کنیم. انقلابی که پیروزی در آن بدون اتکا به قدرت سلاح و بدون اتکا به قدرت بیگانه و با اتکا به قدرت ایمان به پیروزی رسید.

در نقطه مقابل قدرت متعالی، یک نفر یک قطره است؛ «آن‌هم یک نفر حیوان!» چون انسان و حیوان در خوردن و خوابیدن شباهت دارند و آن چیزی که انسان را از حیوان متمایز می‌کند، بعد الهی، روحانی و فطری است که در انسان به صورت بالقوه وجود دارد و باید آن را رشد بدهد و به فعلیت برساند. «اگر چنانچه آن حظ معنوی را رشد دادید، یکی‌تان یک فوج می‌شوید. یک نفر، دیگر نیستید. «یکی» می‌شود، یک موجود، می‌شود موجودات. یک قطره می‌شود دریا». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۷ / ۴۷۸)

بنابراین چنان‌که گفته شد، دو رویکرد به قدرت وجود دارد که می‌توان از آنها به قدرت متعالی (که بی‌نهایت است) و قدرت دنیاگرا و متدانی (که محدود است) تعبیر نمود. عبارت امام خمینی در این باره ساده و در عین حال عمیق است:

گاو شاخ دارد و عقل ندارد، اینهایی هم که در دنیا الان فساد راه می‌اندازند از همان سنخ هستند که شاخ دارند عقل ندارند (همان: ۱۸ / ۲۰۷)

امام خمینی با استناد به جمله معروف «أَتَمَّا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۲ / ۱۱) به قابلیت و ماهیت سیال قدرت، در دو جنبه خوب و بد یا متعالی و متدانی، اشاره می‌فرماید و ارزش قدرت را به علت غایی و انگیزه از کسب و اعمال قدرت گره می‌زند. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۳ / ۲۸۶)

امام خمینی براساس غایت و انگیزه کسب قدرت، رابطه قدرت با ترس و شجاعت را هم تحلیل می‌کند. امام خمینی معتقد است اگر پشتوانه و هدف ما خداوند (دریا) باشد ما (یک یک قطره‌ها) هیچ‌گاه دچار ترس و هراس نمی‌شویم اما اگر هدف ما رسیدن به دنیا باشد باید هم بترسیم. در تعلیل این مطلب امام خمینی می‌فرماید اگر کسی جوانش را در راه خدا از دست داد، چیزی از دست نداده چراکه رضایت خداوند متعال را به دست آورده، حتی اگر کسی جانش را هم از دست داد «اگر برای خدا باشد، پشتوانه خدا باشد، از جیبش چیزی نرفته» (همان: ۵ / ۱۶۶) بلکه به بهشت برین دست می‌یابد. در مقابل اگر کسی جانش را برای رسیدن به اهداف دنیوی و مادی از دست داد، علاوه بر اینکه جانش را از دست داد،

در مقابل نه تنها چیزی به دست نیاورده و بلکه دچار عذاب الهی می‌شود. (همان)

بنابراین انگیزه الهی در قدرت متعالی تأثیر مستقیم دارد و عنصر ترس را از قدرت دور می‌کند و بلکه شجاعت را ایجاد و تثبیت می‌کند. بر این مبنای انگیزه‌های مادی و دنیوی، عنصر ترس را در قدرت تزریق می‌کند و از عیار قدرت می‌کاهد و باعث می‌شود رویکرد قدرت متدانی شود.

۲. خاستگاه قدرت متعالی

امام خمینی معتقد است که همه انسان‌ها در همه زمان‌ها، ذاتاً و فطرتاً به دنبال کمال مطلق هستند و به طرف هر که و هر چه احساس کنند کمال مطلق است، روانه می‌شوند. یعنی انسان‌ها به دنبال کمال نامحدود هستند و از نقص نامحدود متنفر، که امام خمینی آن را فطرت مخموره می‌نامد.

یک. تحلیل خاستگاه قدرت براساس فطرت مخموره

امام خمینی، اعمال نفوذ و قدرت را فطری تمام انسان‌ها می‌داند و می‌نویسد از آنجاکه ساختار این عالم و اوضاع دنیا و شرایط حیات بشری اقتضای نفوذ اراده انسان را ندارد، پس باید در دار وجود، جهانی باشد که اراده انسان در آن کاملاً نافذ باشد و شرایط و ساختار آن به گونه‌ای باشد که با نفوذ اراده او و (اعمال قدرت انسان) تعارض نداشته باشد و «انسان در آن عالم فعال ما یشاء و حاکم ما یرید باشد». (همو، ۱۳۷۷: ۱۸۷)

در این تفسیر همه انسان‌ها به دنبال قدرت هستند و در صورت حضور در بهشت آن را تجربه می‌کنند و در صورت عدم حضور در بهشت، این خود، عذاب جان آنها خواهد بود.

امام حس قدرت‌جویی انسان را آن قدر قوی و بلکه سیری‌ناپذیر می‌داند که اصلاً در این دنیا قابلیت ظهور و بروز ندارد، بنابراین اگر شخص یا کشوری فرمانروای کل دنیا باشد، باز هم حس قدرت‌طلبی‌اش ارضا نمی‌شود. اما در اینکه این حس، در همه انسان‌ها وجود دارد، مشترک‌اند.

دو. تحلیل خاستگاه قدرت براساس فطرت محجوبه

برخی از انسان‌ها به دنبال کمال محدود هستند و از نقص‌های محدود متنفر، که امام خمینی آن را فطرت محجوبه می‌نامد.

در این پارادایم، برخی از انسان‌ها که به دنبال کمال مطلق هستند در تشخیص مصداق این کمال خطا می‌کنند و قدرت را کمال مطلق می‌پندارند، درحالی‌که قدرت کمال نامحدود است و نه کمال مطلق. (همان: ۱۸۳) در این نگاه به قدرت است که اخلاق از قدرت تفکیک و بلکه در پیشگاه قدرت قربانی

می‌شود و ذاتاً فسادآور نامیده می‌شود؛ چراکه در این پارادایم، فریب، یکی از راه‌های کسب و حفظ قدرت است. قدرتی که در پارادایم فطرت مخموره شکل بگیرد، متعالی و قدرتی که در پارادایم فطرت محجوبه شکل بگیرد، متدانی است.

باید دقت داشت که اولاً امام خمینی از منظر انسان‌شناسی به طرح بحث پرداخته است و روشن است که هر موضع‌گیری در انسان‌شناسی، در سایر ابعاد تأثیرگذار است و از همین رو امام از تأثیر میل قدرت‌طلبی انسان در حوزه روابط بین‌الملل سخن گفته است.

ثانیاً؛ امام خمینی کاملاً قاطع و مبتنی بر استدلال از میل و گرایش درونی و سیری‌ناپذیر انسان به قدرت سخن گفته است.

ثالثاً؛ درباره رابطه قدرت و غایت باید گفت امام معتقد است که:

آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است که امید است با تعجیل در ظهور مهدی آخر الزمان، ارواحنا فدا، حاصل شود؛ و رسیدن انسان‌ها به کمال و سعادت اخروی است، که خداوند نصیب همگان فرماید. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۸ / ۹۵)

بنابراین همزیستی مسالمت‌آمیز بشریت در کنار هم و رسیدن به کمال و سعادت اخروی، غایت انسان و قدرت است که اوج آن با ظهور حضرت حجت خواهد بود. از طرفی ایشان می‌فرماید:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است، و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند، و مقدمات ظهور آن‌شاءالله تهیه بشود. (همو، ۱۳۸۵: ۳۷۴)

بنابراین به نظر می‌رسد که امام خمینی قدرت را هدفی عاجل و مقدماتی در سیاست بین‌الملل و تحقق حکومت جهانی حضرت ولی عصر^ع می‌داند.

رابعاً؛ ملاک شناسایی کمال مطلق، این است که وقتی انسان به آن دست یافت، آرام بگیرد و دیگر در پی چیز دیگری نرود، چراکه وقتی انسان به کمالی دست یافت، اگر کمالی برتر و بالاتر مقابله قرار بگیرد به طرف آن کمال کامل‌تر حرکت می‌کند و از کمال قبلی صرف‌نظر می‌کند. از این منظر دیدگاه کسانی که به قدرت، به‌عنوان غایت نهایی می‌نگرند، ناقص است.

اما چه می‌شود که انسانی که به دنبال کمال مطلق است، کمال‌پنداری را کمال حقیقی می‌پندارد؟ به نظر امام خمینی دلیل این امر آن است که انسان در انتخاب مصداق، اشتباه کرده و «انبیا آمدند تا نگذارند فطرت، اشتباه در تطبیق کند» (همو، ۱۳۸۱: ۳ / ۳۳۹) و از اینجا امام به قدرت، رویکردی الهی و معنوی

داده و قدرت و محبت را به یکدیگر پیوند می‌دهد. (امام خمینی، ۱۳۷۷ ب: ۸۰) چون انبیا و سیاست انبیای الهی مبتنی بر قدرت و مهربانی، توأمان با یکدیگر است.

۳. چارچوب نظری

براساس نظریه طبقه‌بندی علوم امام خمینی که مبتنی بر میانی انسان‌شناسی ایشان است، انسان دارای سه بعد است؛ غیبی و روحی، برزخی و خیالی، شهودی و دنیوی. براساس این چارچوب، که ذیل بحث از اعتقاد به فرشتگان الهی، به‌عنوان منبع نرم قدرت، تفصیلش خواهد آمد، منابع قدرت به منابع اعتقادی و بینشی، قلبی و گرایشی، جسمی و مادی طبقه‌بندی می‌شوند، که می‌توان آنها را ذیل عنوان منابع نرم قدرت و منابع سخت قدرت قرار داد. منابع نرم قدرت ناظر به بعد اول و دوم و تا حدودی بعد سوم است، چون منابع سخت قدرت در لایه سوم که مربوط به بعد مادی و سخت‌افزاری است، پررنگ‌تر است. بر این مبنا، از منابع نرم قدرت ذیل سه عنوان: منابع اعتقادی - بینشی؛ منابع اخلاقی - گرایشی و منابع رفتاری - کنشی بحث می‌کنیم. به دیگر سخن در بعد منابع اعتقادی - بینشی نرم قدرت، از قدرت اعتقاد به توحید، انبیای الهی، فرشتگان الهی، شهادت‌طلبی، علم، خودباوری، در بعد قدرت اخلاقی - گرایشی از محبت، در بعد قدرت رفتاری - کنشی از مناسک، تبلیغات و تعلیمات بحث می‌کنیم.

یک. منابع اعتقادی - بینشی قدرت متعالی

این بعد نقش کلیدی در تفکر امام خمینی دارد و قلب نظریه قدرت نرم و به تعبیر برخی از متفکران، (صدرا، ۱۳۹۴: ۴۷) قدرت فرانرم و متعالی امام خمینی را تشکیل می‌دهد که سایر ابعاد تحت‌تأثیر این بعد قرار دارند و به همین دلیل بیشتر به این بعد می‌پردازیم.

الف) اعتقاد به خداوند متعال

در اندیشه امام، منبع قدرت، فقط خداوند متعال است. خداوند متعال به همه موجودات به یک میزان نزدیک است اما ارتباط و نزدیکی انسان‌ها با خداوند دارای شدت و ضعف است. ارتباط با خدا و قدرت، رابطه متقابل با یکدیگر دارند؛ هرچه انسان با خدا ارتباط و اتصال بیشتری داشته باشد، قدرت بیشتری هم دارد. امام خمینی براساس دو آیه از قرآن این مطلب را توضیح داده است.

آیه اول. «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَحْفِيٍّ وَقُرْآدِي» (سبأ / ۴۶)؛ براساس این آیه، در صورتی که کار برای خدا انجام شود و قیام، برای خدا باشد و نه برای به دست آوردن عنوان و یا جاه، مقام، قدرت و ثروت، طمأنینه و آرامشی در نفس انسان ایجاد می‌شود که هیچ‌گاه احساس شکست نمی‌کند، چراکه در

درون خویش این واقعیت را می‌باید که به «یک قدرت لایزال متصل شده است ... مثل یک قطره‌ای که پشتوانه‌اش دریا (ست)، دریای غیرمتناهی» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵ / ۱۶۷) چنان که روشن است در این مرحله تصور قطره این است که دریا پشتوانه و پشتیبان اوست و کاملاً به این مطلب واقف است و زمزمه می‌کند: «ما همه موج و تو دریای جمالی، ای دوست!». (همو، ۱۳۷۳: ۴۳)

این تحلیل امام از رابطه قدرت و نیت (و شکست و پیروزی) در مقابل برداشت بسیاری از نویسندگان معاصر قرار دارد که با پیروی از راسل و وبر، قدرت و نیت را به یکدیگر پیوند می‌دهند. از دیدگاه اینان زمانی کنش قدرت داریم که طرف (الف) در مقابل (ب) نتایج و تأثیرات موردنظرش را به دست آورده باشد. به دیگر سخن قدرت از این منظر توانایی عده‌ای در ایجاد تأثیرات موردنظر و پیش‌بینی شده بر دیگران است. (کلگ، ۱۳۸۳: ۱۵۶) یعنی اگر به اهداف تعیین شده دست نیافتیم، اعمال قدرت و در نتیجه پیروزی رخ نداده، حال آنکه در اندیشه امام خمینی اگر قصد اعمال قدرت کردید و با نیتی الهی، وارد عرصه مبارزه شدید، و اعمال قدرت هم صورت نگرفت و شکست رخ داد، این شکست، ظاهری است و در باطن، شما پیروز هستید. ضمن آنکه امام این نکته را هم می‌فرماید که اگر اعمال قدرت همراه با ظلم اتفاق افتاد، این شکست و خسارت است و نه پیروزی.

بر مبنای همین تحلیل، امام خمینی از قدرت ابرقدرت‌ها یاد می‌کند: «صحیح است، اینها قدرت‌هایشان زیاد است» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵ / ۳۷) اما قدرت یک ملت را که اهل حق است و برای خدا قیام کرده و تصمیم گرفته که اسلامی زندگی کند را برتر از قدرت ابرقدرت‌ها می‌داند، «این قیامی که الان ملت ایران کرده‌اند، در مقابل همه این ابرقدرت‌هاست». (همان: ۳۷ - ۳۸)

شاید در این مرحله، مهم‌ترین فایده اعتقاد به توحید این باشد که «ترس» از وجود انسان رخت برمی‌بندد و فضای رعب و اختناق را درهم می‌شکند. امام خمینی معتقد است کسانی باید از ابرقدرت‌ها بترسند که به خدای بزرگ اعتقاد ندارند اما مسلمانانی که خداوند را مبدأ قدرت می‌دانند نباید از ابرقدرت‌هایی مثل آمریکا بترسند.

آیه دوم. «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ» (انفال / ۱۷)؛ در این آیه خدا به پیغمبر می‌فرماید تو تیر نینداختی، وقتی که تیر انداختی بلکه خدا تیر انداخت؛ «رَمَيْتَ» لکن «مَا رَمَيْتَ»: تو انداختی و تو نینداختی! چراکه دست تو دست خداست، برای اینکه تو خودت را متصل کردی به او. تو دیگر خودت چیزی نیستی، هرچه هست اوست. وقتی هرچه هست او باشد، دیگر «مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ».

در این مرحله، قطره و یا سایه، خودش را نمی‌بیند و می‌داند که بدون دریا، قطره‌ای و بدون شاخص، سایه‌ای در کار نیست:

دوی را نیست ره در حضرت تو همه عالم توی و قدرت تو
وجود جمله ظل حضرت تست همه آثار صنع و قدرت تست
(عطار، ۱۳۸۲: ۳)

بنابراین از این منظر، انسان و بلکه همه موجودات، قطره هم نیستند و هیچ قدرتی ندارند و تنها در صورتی قدرت دارند که خود را مستقل ببینند و خویش را به دریا وصل کند. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵ / ۱۶۷)

امام خمینی تصریح می‌کند که در رأس همه تذکرات، این تذکر وجود دارد که باید از صمیم قلب باور کنیم که جهان، از اعلایین تا اسفل سافلین، جلوه حق و در قبضه قدرت اوست؛ و هیچ موجودی، از فرشتگان و انبیای عظام و اولیای گرامی گرفته تا اشقیاء و هر موجودی، از خود چیزی ندارند و عین فقر است و به جلوه او نورانی و هست شده است. درک این حقیقت باعث اطمینان قلوب می‌شود و با این باور است که انسان بجز خداوند از هیچ کس و هیچ چیز نمی‌ترسد؛ و به هیچ کس به جز خداوند متعال امید نمی‌بندد. (همان: ۱۸ / ۴۶۲)

ب) اعتقاد همگانی به توحید

امام خمینی یک فیلسوف واقع‌بین است، و علاوه بر اینکه به انتزاعیات و ذهنیات توجه دارد، از عقبه سیاسی و اجتماعی فلسفه‌اش هم سخن می‌گوید. به همین دلیل ایشان از اعتقاد و توجه اجتماعی و همگانی مردم و نه تک تک و جدا، به خداوند متعال سخن می‌گوید؛ ایشان می‌فرماید:

ما تجربه کردیم ... که آن وقت که توجه به خدای تبارک و تعالی مجتمعاً نداشته‌ایم، ولو یکی یکی هم داشتیم، نتوانستیم کاری انجام بدهیم. (همان: ۱۴ / ۱۵۴)

بنابراین صرف مسلمان بودن و اعتقاد و باور قلبی داشتن به توحید، منشأ و منبع قدرت در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌شود، بلکه باید اعتقاد با اراده عمومی آحاد افراد جامعه گره بخورد تا کارایی لازم را به دست بیاورد و به سرمایه اجتماعی تبدیل شود. (ر.ک: عبیوسی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۰۹)

ج) اعتقاد به انبیای الهی

الگویی که امام خمینی برای کسب قدرت از آن پیروی می‌کند، انبیای الهی به‌ویژه حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت محمد ﷺ هستند. براساس این مدل، «انبیاء» برای دعوت و قیام بر ضد طاغوت از صفر شروع می‌کردند، و دعوت‌های بزرگ آنها از واحد واحد شروع می‌شد تا گروه گروه جمع می‌شدند». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۷ / ۲۴۰) بر این مبنا، یک فرد یا گروه مسلمان و یا حتی مردم یک کشور، از تنهایی و غربت و کمبود امکانات به خود هراس راه نمی‌دهد و بلکه با الهام گرفتن از مشی

انبیای الهی، ثابت قدم و با توکل بر خدا به سوی هدف خود حرکت می‌کنند:

اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت‌پرستی است ادامه می‌دهد. (همان: ۱۳۸۵: ۲۱ / ۳۱۸)

امام خمینی جمله معروفی که به حضرت عیسی نسبت می‌دهند که ایشان فرموده‌اند اگر به سمت راست صورتم سیلی زدند، سمت چپ را خود خواهم آورد، رد می‌کند و می‌فرماید: «حضرت عیسی نمی‌گوید همچو چیزی. این منطق تنبلی‌هاست» (همان: ۳ / ۳۴۷) و بر این باور است که این سخن را قدرتمندان و اشخاصی که به حضرت عیسی منتسب هستند، ساخته‌اند تا کلیسا را فریب بدهند و «آنها هم بازی خوردند ... و لهدا در مقابل حکومتشان هیچ نمی‌کنند». (همان)

د) اعتقاد به فرشتگان الهی

یکی از منابع قدرت از منظر امام خمینی، فرشتگان الهی هستند. البته امام توجه به فرشتگان را به‌عنوان مظهری از قدرت الهی می‌داند نه به شکل مستقل. ایشان در این زمینه چند بحث مهم دارد.

جایگاه ویژه در طبقه‌بندی علوم

ایمان به فرشتگان، بخشی از اعتقادات مسلمانان در کنار اعتقاد به توحید، نبوت و معاد را تشکیل می‌دهد. یکی از مباحث امام خمینی این است که وی جایگاه مستقلی در طبقه‌بندی علوم خویش برای فرشتگان در نظر گرفته است. در این طبقه‌بندی امام خمینی به علمی که «تربیت روحی و عقلی» انسان را برعهده دارد، علمی که «تربیت قلبی» انسان را برعهده دارد و علمی که «تربیت ظاهری» انسان را برعهده دارد، اشاره می‌کند. بخش اول این علوم امام خمینی بعد از توحید با تعبیر «علم به عوالم غیبیه تجردیه از قبیل ملائکه و اصناف آن» به فرشتگان پرداخته است. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۸۷) چنان‌که ملاحظه می‌شود، امام از فرشتگان به‌عنوان بارزترین مصادیق جنود و لشکر خدا و در واقع یکی از منابع قدرت اسم می‌برد و از این رو براساس دیدگاه دانشی خود به راحتی می‌تواند از این مدل در معادلات قدرت هم بهره بگیرد. ایشان مباحث دیگری درباره اصناف و انواع فرشتگان مطرح کرده که از آنها عبور می‌کنیم. (ر.ک: همان: ۴۱۴)

از منظر هستی‌شناسی، امام خمینی از دو ملکوت اسم می‌برند؛ ملکوت اعلی و ملکوت اسفل. انسان همانطور که می‌تواند در ملکوت اعلی با فرشتگان ارتباط برقرار کند، با ملکوت اسفل و جینان هم می‌تواند. براساس نوع ارتباط انسان، دانش، ارادات و الهامات قلبی انسان شکل می‌گیرد و نوع دانش و تفکر انسان، نوع قدرت او را تعیین می‌کند. (همان: ۴۷۳)

امام خمینی در چند مورد از فرشتگان به عنوان منابع قدرت اسم برده که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. تجلی قدرت الهی در صدر اسلام

امام خمینی با نگاهی سرشار از معنویت تاریخ را تحلیل می‌کند. ایشان همواره انقلاب ایران و مردم مسلمان انقلابی ایران را با مسلمانان صدر اسلام مقایسه می‌فرمود. چراکه تنها انقلابی که انقلاب اسلامی ایران به آن نزدیک است، انقلاب رسول اعظم صلی الله علیه و آله می‌باشد. امام خمینی در یکی از این مقایسه‌ها که با بحث ما ارتباط دارد خطاب به مردم می‌فرماید: فرشتگان در صدر اسلام به مسلمانان کمک می‌کردند و در پیروزی انقلاب ایران هم به مسلمانان ایران کمک کرده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۸: ۵۰۵)

ایشان کسب قدرت و پیروزی مسلمین در صدر اسلام را به دلیل تعالیم انبیای الهی و نبی اکرم صلی الله علیه و آله و برخورداری از پشتیبانی ملائکه الله می‌داند و بعد از این تحلیل، تصریح می‌کنند که باید از تاریخ عبرت گرفت:

آن قوه‌های معنوی که پشت سر مسلمین بود و ملائکه الله که قدرت معنوی بود موجب شد که مسلمین در کمتر از نیم قرن بر همه معموره دنیا سلطه پیدا کنند. ما باید از تاریخ عبرت بگیریم. (همان ۱۳۸۵: ۷ / ۶۷)

اینکه امام در تحلیل قدرت گرفتن مسلمین به نقش فرشتگان و عبرت گرفتن از آن عنایت دارند، نشان‌دهنده این است که از دیدگاه ایشان، فرشتگان همواره به انسان‌های مؤمن و متعهد در عرصه‌ها و جبهه‌های گوناگون کمک می‌کنند و لذا باید در صراطی حرکت کرد که از این قدرت غیبی متعالی بهره‌مند شد.

امام خمینی دیدگاهشان راجع به فرشتگان را به قرآن مستند می‌کند. قرآن می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا
بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ. (فصلت / ۳۰)

از نظر امام خمینی قرآن با این سخن که ملائکه همراه شما هستند، به مردم دل‌داری می‌داد و از لحاظ روحی و روانی به آنها آرامش می‌بخشید و بر همین اساس بود که «یک دسته کوچکی حرکت می‌کرد و یک قدرت بزرگ را می‌شکست، با همان قدرت ایمان و آن تحرک که پیغمبر اکرم و قرآن کریم ایجاد کرده بود در آنها». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۸ / ۴۵۷)

۲. تجلی قدرت الهی در انقلاب اسلامی

امام خمینی پدید آمدن تحول در ایران را به فرشتگان نسبت می‌دهد. وی معتقد است تحولی که در ملت

ایران روی داد، تحول الهی بود. تحول از ضعف، خوف، تفرقه، تشتت، تردید، بی تفاوتی به قدرت، شجاعت، وحدت، تعاون، قطع، احساس مسئولیت و اشتیاق.
عبارت امام خمینی از این قرار است:

آن تحولی که در ملت پیدا شد که از حال خوف برگشت به حال قدرت. از حال ضعف برگشت به حال قدرت. این تحول، تحول الهی بود. دست بشر امکان ندارد برایش که بتواند در یک ملتی این طور تحول ایجاد کند ... یک قدرت غیبی، ملائکه الله، آنها شما را وادار کردند که بروید و این کارها را انجام بدهید. (همان: ۱۱ / ۵۳۴ - ۵۳۳) و با استناد به قرآن کریم به نقش آرامش‌گری فرشتگان الهی اشاره می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ». خداوند ملائکه بر شما فرو می‌فرستد و قلبتان را آرامش می‌بخشد که از کشته شدن و اعدام شدن نگران نشوید. (همان: ۱ / ۱۵۸)

۳. تجلی قدرت الهی در دوران دفاع مقدس

امام خمینی می‌فرماید:

ما از خدا می‌خواهیم که با آن جنود غیبیه که دارد و با آن ملائکه الله که هست، به ما کمک بفرماید و می‌فرماید. لکن شرط این است ما به عهد خود باقی باشیم؛ عهدی که با اسلام داریم؛ حفظ اسلام، حفظ کشور اسلامی، حفظ نوامیس اسلامی. (همان: ۱۵ / ۴۰۴ - ۴۰۳)

در این فراز، شرط به دست آوردن یاری فرشتگان و در واقع استفاده از این منبع قدرت، پاسداری از اسلام، کشور اسلامی و مسلمانان ذکر شده است و روشن است که حفظ اسلام با ابزار قدرت صورت می‌گیرد و در صورت قیام مسلمانان برای وفای به عهد، خداوند به وسیله فرشتگان، جبهه مسلمانان را تقویت خواهد کرد.

در مواردی امام خمینی پیروزی رزمندگان اسلام را به یاری فرشتگان گره زده است:

مبارک باد بر شما عزیزان افتخار آفرین پیروزی بزرگی را که با یاری ملائکه الله و نصرت ملکوت اعلیٰ نصیب اسلام و کشور عزیز ایران، کشور بقیة الله الاعظم «اروحنا له الفداء» نمودید. (همان: ۱۶ / ۱۴۲)

در برخی موارد تعابیر عاطفی بیان می‌کند که ریشه در برهان و قرآن و عرفان دارد و خطاب به

رزمندگان سپاه اسلام می‌فرماید: «شما را ملائکه الله فراموش نخواهد کرد». (همان: ۱۷ / ۱۳۶)

۴. روحیه شهادت‌طلبی

روحیه شهادت‌طلبی، یکی از منابع مهم قدرت از منظر امام خمینی است، تا جایی که امام تربیت انسان‌هایی با داشتن این روحیه را فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی می‌نامد. (همان: ۱۵ / ۳۹۵)

روش مبارزاتی امام، نه مسلحانه بود و نه پارلمانی، بلکه شیوه فرهنگی بود. داشتن روحیه شهادت‌طلبی منبع قدرتی است که شیوه مبارزه فرهنگی اسلام در اختیار امام و امت اسلامی قرار داده است. شهادت‌طلبی به معنای نترسیدن از مرگ و نداشتن تردید و با شجاعت و اعتماد به حیات اخروی، و خالصانه وارد میدان مبارزه شدن است؛ در این شیوه در ابتدا عملیات استشهادی پیشنهاد نمی‌شود، چنان‌که فرار از معرکه هم توصیه نمی‌شود. این منبع از عاشورا تغذیه می‌شود و نظریه پیروزی خون بر شمشیر از ثمرات این منبع قدرت است. (درزی کلایی و آقاحسینی، ۱۳۹۱: ۹۱)

۵. علم و دانش

از منظر امام، تمام گرفتاری‌هایی که ما در طول تاریخ داشته‌ایم به سبب بهره‌برداری قدرتمندان از جهالت مردم بوده است، چون مستکبران از جهالت مردم سوءاستفاده می‌کردند و مردم را بر خلاف مصالح خودشان تجهیز می‌کردند. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۳ / ۴۵۲) بنابراین علم، یک منبع مهم قدرت است. اما امام خمینی علم مطلق را، به تنهایی، منبع قدرت نمی‌داند. بلکه وی علم جهت‌دار را (همچون محبت جهت‌دار) منبع قدرت می‌داند. ایشان معتقد است که ارزش براساس غایت تعیین می‌شود (همان ۱۳۸۵: ۱۳ / ۴۴۹) و نه لذت، نیاز، کمیابی، سود و ... البته این ارزش‌گذاری پس از آن است که یک امر، دارای ارزش فعلی باشد. ایشان با استناد به آیه شریفه «أَقْرَأْ بِأَسْمِ رَبِّكَ» (علق / ۱) می‌فرماید قلم، به‌عنوان نماد علم (و قدرت نرم) به تنهایی مطلوب نیست، چه بسا قلمی که بر ضد انسانیت و کرامت انسان است! اما اگر قلم و حتی مسلسل، (به‌عنوان نماد قدرت سخت) جهت‌دار و الهی باشد، آن قلم و آن مسلسل، در خدمت انسان است (همان ۱۳۸۵: ۱۳ / ۴۴۸)

۶. خودباوری

از نظر امام خمینی، غربی‌ها را، مخصوصاً انگلیس و بعد آمریکا را از کشورهای قدرتمندی می‌داند که با ابزار تبلیغات تلاش داشتند تا به ملت‌ها و دولت‌های ضعیف بیاوراند که ناتوانند و نمی‌توانند هیچ کاری در هیچ زمینه‌ای انجام بدهند و باید در ابعاد گوناگون اداره کشور، به قدرت‌های بزرگ تکیه کنند. (همان: ۱۴ / ۳۰۶)

امام خمینی ضمن اینکه از این توطئه پرده برمی‌دارد، راهکار هم ارائه می‌دهد و می‌فرماید باور انسان، اساس تمام امور است و اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها، از خود انسان شروع می‌شود و انسان، اساس پیروزی و شکست است. به این ترتیب امام خمینی باور فردی و ملی را به توانستن به‌عنوان منبع نرم قدرت معرفی می‌کند. (ر. ک: کریمی والا، ۱۳۹۵: ۶۲ - ۴۳)

دو. منابع اخلاقی - گرایشی قدرت متعالی

اخلاق و ارزش‌های اخلاقی نقش کلیدی در تفکر امام خمینی دارد. (ر. ک: مقدمه افتخاری در لنون، ۱۳۸۸: ۳۲) از منظر ایشان بزرگ‌ترین بحران عصر حاضر که «سیاره ما» یعنی محیط زیست، درختان، دریاها، حیوانات، انسان‌ها و ... را در سراسیابی نابودی قرار داده، انحطاط اخلاقی کارگزاران قدرت یعنی سیاستمداران و حاکمان است؛ چراکه انحطاط اخلاقی از سلاح هم خطرناک‌تر است:

آن چیزی که دارد این سیاره ما را در سراسیابی انحطاط قرار می‌دهد، انحراف اخلاقی است. اگر انحراف اخلاقی نباشد، هیچ‌یک از این سلاح‌های جنگی به حال بشر ضرر ندارد. آن چیزی که دارد این انسان‌ها را و این کشورها را رو به هلاکت و رو به انحطاط می‌کشد، ... شما ملاحظه بفرمایید که این سلاح‌های بزرگ مدرن، که الان در دست ابرقدرت‌هاست، این سلاح‌ها در چه امری از امور به کار می‌رود؟ آیا برای خیر بشر است؟ برای تأمین صلح است، چنانچه مدعی هستند؟ یا برای هلاکت بشر و برای خودخواهی‌هایی که این سران دارند؟ (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶ / ۱۶۱)

براساس این نگاه به اخلاق، تمامی فضائل اخلاقی منبع و منشأ قدرت هستند و قدرتمندان بیش از دیگران باید به آنها متصف و از منبع عجز یعنی رذائل اخلاقی دور باشند. زهد، حسن‌ظن به خدا، توکل، صداقت، امید، عزت، حلم، سخاوت، اخلاص، تواضع، شجاعت و تمامی جنود عقل جزو منابع نرم قدرت اخلاقی - گرایشی محسوب می‌شوند. با توجه به جایگاه مهم محبت در فلسفه سیاسی اسلام و کمبود مجال، در ادامه به مؤلفه محبت می‌پردازیم.

محبت به متعالی و متدانی تقسیم می‌شود. محبت متعالی که در چارچوب اعتقادات و احکام اسلام تعریف می‌شود، از منظر امام خمینی یکی از منابع مهم قدرت است. و اصولاً نباید بین قدرت متعالی و محبت متعالی فاصله‌ای وجود داشته باشد.

از منظرگاه امام خمینی، عشق به خداوند متعال، سرچشمه عشق به تمامی انسان‌ها و بلکه تمامی موجودات است. چراکه هنگامی که شخص محب چیزی باشد، به آثار و متعلقات محبوب محبت پیدا می‌کند و از حب به شیء، حب و عشق به آثار شیء که صورت تنزل حب به شیء است تولید می‌شود. (عبدالغنی اردبیلی، ۱۳۸۱: ۲ / ۱۴۰) و بر همین اساس چنین توصیه می‌کنند: پسر! اگر می‌توانی، با تفکر و تلقین نظر خود را نسبت به همه موجودات به ویژه انسان‌ها نظر رحمت و محبت کن! (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶ / ۲۱۸) بنابراین باید قدرت و محبت کنار هم باشند. چنان‌که امام رابطه سیاست را با دیانت و اخلاق، چنان مرتبط می‌داند که می‌توان از آن به رابطه ذاتی تعبیر کرد. (لک‌زایی، ۱۳۹۴: ۱۶۳)

قدرت انبیایی چون حضرت داود، حضرت سلیمان، حضرت یوسف و حضرت خاتم النبیین و وصی ایشان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت ولی عصر علیه السلام، از مصادیق بارز و عینی قدرتی متعالی است که آمیخته به مهر و عطوفت است. امام، در نامه‌ای که به فرزندشان نوشته‌اند، با تعبیری محبت‌آمیز و سرشار از تواضع و عطوفت می‌فرماید «جانم فدای تک تک ملت انقلابی ایران». (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰ / ۴۴۰)

امام توصیه می‌کنند که باید در نظام اسلامی ادارات به روی مردم باز و با آغوش باز پذیرای مردم باشند و به دردهای مردم گوش دهند و کوشش کنند که آنها را حل کنند تا مردم احساس کنند که دولت مال خودشان است. وقتی ملت فهمید که گروهی مشغول خدمت‌اند تا روح مردم آرامش داشته باشد، و خودشان هم مثل مردم عادی زندگی می‌کنند، به حسب فطرتشان که فطرت صحیح است، عاشق چنین دولت (و قدرتی) خواهند شد. (همان: ۱۳ / ۴۹۷)

با این تبیین نیازی نیست که همانند آگوست کنت بگوییم «قدرت باید به نیرومندترین افراد و نه با محبت‌ترین آنها تعلق داشته باشد» (فاستر، ۱۳۸۸: ۲ / ۱۲۱۵) چون می‌شود و باید - باید منطقی - قدرتمندترین، مهربان‌ترین هم باشد و اصولاً پیوند قدرت و محبت لازمه حکومت رهبران الهی است.

بنابراین قدرت منهای محبت، محکوم به شکست است و قدرت همراه با محبت، دارای کارایی و بلکه بقاست و به همین دلیل می‌توان گفت که محبت جزئی از منابع و یکی از سرچشمه‌های جوشان قدرت است که اگر کام قدرت را سیراب نسازد، حیات قدرت به مخاطره خواهد افتاد. به همین دلیل از منظر امام اگر کسی یا مکتبی و نظریه‌ای نگاهش به موجودات و مخصوصاً انسان‌ها از سر مهر و رحمت و محبت نباشد، یک نقص و ایراد محسوب می‌شود و ناشی از کوتاه‌بینی و کوتاه‌نظری آن شخص (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۶ / ۲۱۸) و بلکه مکتب، دولت، حکومت و جهان‌بینی است. نقصی که تمامی سازمان‌هایی که عنوان بین‌المللی را یدک می‌کشند با آن روبه‌رو هستند. از این رو امام خمینی رهبران کشورهای اسلامی را نصیحت می‌کنند که بر قلوب مردم کشورهایتان حکومت کنید و نه بر بدن‌های آنان. (همان، ۱۳۸۵: ۱۴ / ۱۷۹)

سه. منابع رفتاری - کنشی قدرت متعالی

در این بخش که جنبه رفتاری و عملی در آن برجسته است، منابع فراوانی را می‌توان ذکر کرد؛ توسعه‌یافتگی اقتصادی، علمی و فن‌آوری، برخورداری از دانش پیشرفته، توانایی در تولید علم و فناوری، رفاه و امنیت غذایی، فرصت‌های برابر و توزیع مناسب درآمد؛ به دور از فقر، فساد و تبعیض، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه، رسیدن به اشتغال کامل، سهم برتر منابع انسانی، سرمایه اجتماعی در تولید ملی، کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی در مسیر تحقق آرمان‌ها، تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، بازدارندگی همه‌جانبه، امن،

مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی، تحکیم الگوی ولایت فقیه، مردم‌سالاری دینی، تأثیرگذاری بر هم‌گرایی اسلامی و منطقه، اصول عزت، حکمت و مصلحت در تعامل مؤثر و سازنده با جهان، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، تعهد به شکوفایی ایران اسلامی، مفتخر به مسلمان بودن و ایرانی بودن، پیوستگی مردم و حکومت، برخی از این مؤلفه‌هاست (موسوی و قریبی، ۱۳۹۲: ۱۳۳ - ۱۱۳ و جعفری و قریبی، ۱۳۹۵: ۷۴ به بعد) اما از آنجا که خدا و خواندن یا دین و علم دو مؤلفه محوری در این زمینه می‌باشد و در اولین آیه‌ای که بر پیامبر نازل شد «أَقْرَأْ بِأَسْمِ رَبِّكَ...» به آن اشاره شده، در ادامه به این دو مؤلفه اشاره می‌کنیم.

الف) مناسک

به نظر می‌رسد از منظر امام خمینی، عبادت، به‌طور کلی و مناسک که بخشی از عبادات است، یکی از منابع قدرت به شمار می‌روند. امام خمینی معتقد است که عبادت، باعث قوی شدن اراده انسان می‌شود و این تقویت اراده باعث می‌شود که بعد طبیعی انسان تحت قدرت، تسخیر و سلطنت نفس انسان قرار بگیرد و اراده نفس ملکوتی در سرزمین بدن نفوذ یابد و اجرایی گردد، به‌طوری‌که قوا مثل ملائکه که از فرمان خدا نافرمانی نمی‌کنند، از فرمان نفس سرپیچی نمی‌کنند. (تحریم / ۶)

در مرتبه دوم، امام خمینی اراده انسان را با اراده خداوند متعال پیوند می‌زند و می‌فرماید قوای باطنی و ظاهری انسان باید تحت اراده خدا قرار بگیرد و از جنودالله شود و نسبت به حق تعالی سمت ملائکه الله را پیدا کند.

به این ترتیب آرام آرام انسان طبیعی، انسان الهی می‌شود و اسلام متجلی و حضور و نفوذ شیطان در کشور وجود انسان کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود و در نتیجه این تسلیم شدن انسان در برابر خدا باعث می‌شود که خداوند اراده انسان را در عالم آخرت نافذ قرار دهد. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۳۳ - ۳۲) بر مبنای این تحلیل، انسان و کارگزار قدرت متعالی، به‌صورت مطلوب با عالم غیب مرتبط می‌شود و از منبع اصلی قدرت، نیرو و قدرت می‌گیرد. می‌توان واجب بودن اقامه نماز شب برای وجود مبارک پیامبر خاتم‌الأنبیا را هم در همین زمینه تحلیل کرد، چراکه مسئولیت بیشتر، به قدرت بیشتر و ارتباط بیشتر با منبع قدرت نیازمند است.

ب) تبلیغات و تعلیمات

اولین پیشنهاد امام خمینی در راستای تشکیل حکومت اسلامی و به دست گرفتن قدرت، تبلیغات است. (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۱۴۴) امام معتقد است «اولین فعالیت ما را در این راه تبلیغات تشکیل می‌دهد». (همان)

امام با تکیه بر تجارب تاریخی می‌فرماید همیشه و در همه‌جا این‌طور بوده است که چند نفر با هم می‌نشستند فکر می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند، و به دنبال آن تبلیغات می‌کردند، کم کم بر نفرات همفکر اضافه می‌شد. سرانجام به‌صورت نیرویی در یک حکومت بزرگ نفوذ کرده یا با آن جنگیده، آن را ساقط می‌کردند. امام در کنار تبلیغات از تعلیمات هم اسم می‌برد که باید به موازات تبلیغات انجام بگیرد: «تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی ماست». (همان: ۱۴۵) قدرت رسانه و مطبوعات را هم در همین زمینه می‌توان تحلیل نمود. (ر. ک: نباتیان و رضاپور، ۱۳۹۳: ۵۸ - ۳۹)

نتیجه

در این مقاله بررسی اجمالی منابع نرم قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی انجام شد. قدرت در اندیشه امام، با استفاده از استعاره قطره و دریا و نیز استعاره موج و دریا و با استناد به آیات قرآن ارائه شد. البته برای تبیین بیشتر مفهوم و خاستگاه قدرت در بیان مسئله، دیدگاه برخی از متفکران غربی مورد بررسی قرار گرفت. می‌توان گفت نگاه امام خمینی به قدرت کاملاً واقع‌بینانه است و از لحاظ فردی مبتنی بر امیال واقعی و شخصی انسان است و از لحاظ اجتماعی به واقعیات ملی و بین‌المللی تکیه دارد. به دیگر سخن امام خمینی به همه ابعاد نرم قدرت و تأثیرات و جنبه‌های فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی، ظاهری و باطنی آن توجه نشان داده است و به لحاظ این جامعیت و واقع‌نگری از سایر نظریه‌ها جلوتر و کارآمدتر است؛ چراکه از منظر ایشان خاستگاه قدرت، در نهاد هر انسانی نهفته است و در صورتی که با ایمان به خدا، کنترل نشود، به ناامنی و خشونت در جهان دامن می‌زند، زیرا میل فطری انسان به قدرت و بلکه همه کمالات، سیری‌ناپذیر است.

در ادامه براساس نظریه طبقه‌بندی علوم امام خمینی گفته شد که انسان دارای سه بعد غیبی و روحی، برزخی و خیالی، شهودی و دنیوی است. براساس این نظریه، قدرت دارای بعد اعتقادی و عقلی و بینشی، اخلاقی و قلبی و گرایشی، رفتاری و جسمی و مادی می‌باشد.

ابعاد نرم قدرت و اتکا به خداوند متعال به‌عنوان تنها منبع قدرت، و اعتقاد به معاد، نبوت و فرشتگان الهی، قدرتی در انسان پدید می‌آورد که دچار هراس نمی‌شود و با شجاعت وارد میدان مبارزه می‌شود، بدون آنکه بترسد و بدون آنکه از شکست خوردن نگران باشد؛ چون شکست و پیروزی اصالت و موضوعیتی برای صاحب چنین فکری ندارد و همچون رژییم پهلوی، قدرت خود را به ارتش و سلاح و تجهیزات گره نمی‌زند. چنان‌که انقلاب اسلامی ایران بدون اتکا به سلاح و نیروی نظامی و هیچ کشور خارجی و با اتکا به قدرت نرم که بارزترین آن قدرت نرم، یعنی حضور شجاعانه و شهادت‌طلبانه مردم در خیابان‌ها بود؛ مردمی مسلمان، معتقد به توحید و معاد که از امام حسین علیه السلام و قیام ایشان الگو گرفته بودند.

توجه به بعد گرایشی و عاطفی و اخلاقی سبب شده که بر خلاف برخی از متفکران غربی، همچون آگوست کنت، امام خمینی قدرت را از محبت قابل تفکیک نداند و تصریح کند که قدرتمندترین باید مهربان‌ترین هم باشد، نه آنکه با استبداد و با خشونت با دیگران رفتار کند.

در بعد رفتاری قدرت نرم، مناسک و تأثیر آن در اراده فردی و جمعی انسان، جامعه، تبلیغات و رسانه برجسته شده که در واقع به‌نظر می‌رسد با توجه به ضعفی که جبهه انقلاب اسلامی در زمینه تبلیغات دارد، این بعد هم بسیار مهم و قابل استفاده می‌باشد. البته این سه بعد از قدرت کاملاً درهم تنیده و به‌هم مرتبط هستند و شدت و ضعف هریک در دیگری تأثیرگذار است. براساس این چارچوب، به نظر می‌رسد که امام خمینی قدرت سخت را در حاشیه قدرت نرم مورد توجه قرار می‌دهد. به دیگر سخن وقتی قدرت نامحدود بشر با قدرت الهی پیوند برقرار کند، به قدرت بی‌نهایت تبدیل می‌شود و این ارتباط با مبدأ قدرت به قدرت، جنبه متعالی بودن را اعطا می‌نماید که می‌توان از آن به‌عنوان قدرت فرانرم و متعالی تعبیر نمود. به‌نظر می‌رسد براساس این دیدگاه، امام خمینی یکی از وظایف مهم حوزه و دانشگاه، رسانه، دولت و نظام اسلامی را توجه و تقویت هرچه بیشتر به فرهنگ اسلامی و الهی می‌داند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین، ۱۴۰۵ ق، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، مصحح: مجتبی عراقی، قم، دار سیدالشهداء للنشر.
۳. الکساندر تی. جی، لنون، ۱۳۸۸، *کاربرد قدرت نرم*، ترجمه محسن روحانی، با مقدمه علی‌اصغر افتخاری، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۴. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۳، *دیوان امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. _____، ۱۳۷۷ ب، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. _____، ۱۳۷۷، *شرح جهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. _____، ۱۳۸۱، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، تقریر عبدالغنی اردبیلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. _____، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، تهران، چ چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. _____، ۱۳۸۹، *آداب الصلوه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ هفدهم.
۱۰. _____، ۱۳۹۰، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ بیست و چهارم.

۱۱. _____، ۱۳۹۱، شرح دعای سحر، ترجمه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ سوم.
۱۲. پوراحمدی، حسین، ۱۳۸۹، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب.
۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۳۹۵ ق، سنن ترمذی، مصر، الأزهر.
۱۴. جعفری، علی اکبر و سیدمحمدجواد قربی، ۱۳۹۵، مؤلفه‌های منابع سیاسی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران در افق سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، دوفصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، س چهارم، ش ۹.
۱۵. جعفری پناه، مهدی، ۱۳۹۲، قدرت نرم، کارکردها و مؤلفه‌ها در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، قم، عصر جوان.
۱۶. درزی کلایی، محمدرضا و علیرضا آقاحسینی، ۱۳۹۱، تأثیر شهادت‌طلبی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س نهم، ش ۳۱.
۱۷. صدرا، علیرضا، ۱۳۹۴، هندسه قدرت متعالی، فصلنامه سیاست متعالیه، س سوم، ش ۱۱.
۱۸. عالم، عبدالرحمن، ۱۳۸۸، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چ بیستم.
۱۹. عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۲، اسرارنامه، مصحح صادق گوهرین، تهران، نشر زوار.
۲۰. عیوضی، محمدرحیم و اعظم امامی، ۱۳۹۰، فرایند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه امام خمینی، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، س اول، پیش شماره سوم.
۲۱. فاستر، مایکل، برسفورد، و دیگران، ۱۳۸۸، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ چهارم.
۲۲. کریمی والا، محمدرضا، ۱۳۹۵، جستاری بر اصل اراده خودبنیان در اندیشه سیاسی امام خمینی، فصلنامه سیاست متعالیه، س چهارم، ش ۱۵.
۲۳. کلگ، استوارت. آر، ۱۳۸۳، چارچوب‌های تحلیل قدرت، ترجمه مصطفی یونسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ دوم.
۲۴. لک‌زایی، رضا، ۱۳۹۴، مؤلفه‌های بنیادین اندیشه سیاسی امام خمینی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۲۵. لوکس، استیون، ۱۳۷۰، قدرت؛ فرانسایی یا شکوه شیطانی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۶. موسوی، سید صدرالدین و سیدمحمدجواد قربی، ۱۳۹۲، الهام‌بخشی و قدرت نرم جمهوری اسلامی

۷۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۴، زمستان ۹۶، ش ۵۱

ایران در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، دوره سوم، ش ۹، پاییز و زمستان.

۲۷. نای، جوزف، ۱۳۸۹، *قدرت نرم*، مترجمان: محسن روحانی، مهدی ذوالفقاری، با مقدمه اصغر

افتخاری، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ چهارم.

۲۸. _____، ۱۳۹۲، *آینده قدرت*، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی.

۲۹. نباتیان، اسماعیل و حسین رضاپور، ۱۳۹۳، نقش قدرت نرم آموزش عالی در تحقق اهداف انقلاب

اسلامی، *فصلنامه سیاست متعالیه*، س دوم، ش ۷.

